با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

ساعت کار ادارات را تغییر دهند

مدتی طرح شناور بودن ساعات کار ادارات و سازمان‌ها انجام شد که به‌نظر طرح موفقی می‌آمد. از مهر اجرای آن متوقف شد که در دامن زدن به ترافیک به‌خصوص در صبحگاهان بسیار مؤثر است. هم‌اکنون برای رسیدن از محدوده شرق به غرب یا شمال تهران تقریبا ۲ ساعت زمان نیاز است تازه اگر وسیله دلخواه‌تان را بیابید. واقعا این عمری که در ترافیک سپری می‌شود بی‌بازگشت است و مسئولانی که کاری برای این وضع نمی‌کنند، مسئولند.

معمارزاده از تهران

خراسان جنوبی در بسته‌بندی و نشان تجاری عقب مانده است

خراسان جنوبی که قطب تولید زعفران و زرشک و عناب است درخصوص بسته‌بندی و نشان تجاری محصولات مزیت‌دار بسیار ضعف دارد، درحالی که با برنامه‌ریزی مناسب و جامع می‌توان محصولات مزیت‌دار را در داخل استان فرآوری و آنها را با بسته‌بندی در شأن خراسان جنوبی برای فروش عرضه کرد که قطعا به نفع تولیدکننده و کارخانه‌دار است. کافی است مسئولان در این زمینه اراده کنند تا سرمایه‌گذاران هم رغبت به سرمایه‌گذاری در امر بسته‌بندی و نشان تجاری پیدا کنند.

سلطان‌زاده از بیرجند

گودال تقاطع طالقانی و ظفر ایمن‌سازی شود

یک گودال خطرناک در تقاطع خیابان طالقانی با خیابان ظفر وجود دارد که مدت‌هاست روی آن را با چوب و موانع دیگر می‌پوشانند که اتفاقی رخ ندهد اما اگر خودرو یا موتوری ندانسته از روی آن عبور کند یا پای شهروندی در آن گیر کند بسیار خطرناک خواهد بود. لذا از مسئولان تقاضا می‌شود نسبت به ایمن‌سازی و پوشاندن روی این گودال اقدام کنند.

مسعودی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

با ذرت سیلویی نمی‌توان گاوداری کرد

با وام اشتغال‌زایی مجتمع گاوداری احداث کرده و بیش از ۴۰نفر را به‌صورت مستقیم مشغول به‌کار کرده‌ام. چندین سال کار خوب بود اما متأسفانه در چند سال اخیر با افزایش قیمت نهاده‌های دامی به‌خصوص سویا دیگر تولید و فروش شیر برای من که در صنعت دامداری خرد محسوب می‌شوم به صرفه نیست. مسئولانی که برای دامداران تصمیم می‌گیرند از مشکلات دور هستند و نمی‌دانند که هزینه یعنی چه، نمی‌دانند که وقتی شما سویا که قبلا کیلویی ۴ هزار تومان بود به قیمت ۱۴هزار تومان می‌خرید دیگر نمی‌توان با شیر کیلویی ۱۲هزار و ۵۰۰تومان کارگر و مجتمع اداره کرد. مسئولانی که قیمت شیر را تعیین می‌کنند نمی‌دانند که ما به دام‌های‌مان سیلوی ذرت می‌دهیم و با سیلوی ذرت نمی‌توان گاو شیری نگه‌داشت گاو باید سویا، جو و خوراک بخورد نه ذرت سیلویی. ما نه راضی به گران شدن شیر و اذیت شدن مردم هستیم و نه می‌توانیم به روال فعلی ادامه دهیم. لطفا کسی صدای ما را بشنود.

دامدارحسنی از ساری

پرستاران را به چشم کارگر فصلی نبینند

تعدیل پرستاران هم برای پرستار و هم برای بیمارستان دردسرساز شده است. ۲ سال قبل در اوج کرونا در یکی از بیمارستان‌های اسفراین مشغول به‌کار و اکنون که کرونا فروکش کرده است از کار بیکار شده‌ام. پرستاران کارگران فصلی نیستند که مدیران هر زمانی نیاز بود فراخوان کار بدهند و هر زمان نخواستند آنها را اخراج کنند. بی‌شک سلامت جامعه هیچ‌گاه بی‌نیاز از پرستار و کادر درمان نیست. استمرار مشکلات معیشتی این قشر از مهم‌ترین عوامل مهاجرت آنهاست و متأسفانه تاکنون هیچ قانونی از آنها حمایت نکرده است.

زکیه خالقی از اسفراین

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

پاساژ کمپانی هر روز پرخطرتر می‌شود

در پاساژ کمپانی چهارراه استانبول که نامش در فهرست ساختمان‌های پرخطر قرار دارد، اقدام به ساخت غرفه‌هایی زیر پله برقی‌های داخل شده است بدون اینکه شهرداری نظارتی بر موضوع داشته باشد. از سوی دیگر یک طبقه در بالای پاساژ اضافه شده است. آیا نباید گروهی بر این موارد نظارت کرده و جلوی این قبیل اقدامات خطرناک را که با جان و مال مردم و مالکان بازی می‌کند، بگیرد؟ به‌نظر می‌رسد شهرداری منطقه از موضوع بی‌اطلاع است و مالک یا مالکان با دور زدن قانون اقدام به چنین کاری کرده‌اند. لطفا شهرداری به داد کسبه و مردم برسد پیش از آنکه اتفاق ناگواری رخ دهد.

خاتمی از تهران

چرا شرط استفاده از بیمه سلامت صفر کردن سوابق بیمه است

همسرم ۱۰سال در یک شرکت ذبح و بسته‌بندی مرغ کار می‌کرد. در آذر سال ۹۸شرکت تعطیل و همسرم بیکار شد. حدود یک سال بیمه بیکاری داشت و بعد از آن هم یک سال با واریز حق بیمه به‌صورت اختیاری بیمه‌اش را حفظ کرد. اما با افزایش سرانه حق بیمه و بیکاری دیگر توان پرداخت حق بیمه را نداشت و بیمه ما قطع شد. بعد از آن به‌دنبال بارداری من برای استفاده از بیمه بارداری زنان به بیمه سلامت مراجعه کردم که گفتند باید بیمه همسرم را صفر کنیم یا اینکه از اول هیچ بیمه‌ای نداشته باشیم. سؤالم این است که این چه خدماتی است که برای من به‌عنوان خانم باردار گذاشته‌اند و این چه قانونی است که ۱۲سال سنوات بیمه همسرم را صفر کنیم که بشود یک سال بیمه داشته باشیم آن هم بیمه‌ای که فقط درمانی است و نه جزو سنوات خدمتی. مگر امثال من عقلمان کم است که سراغ چنین بیمه‌ای برویم؟

تقویان از تهران

مهندس آی تی و پدرش پزشک سرشناس را ۳ روز گروگان گرفتند

گروگانگیری پزشک مشهور برای تهیه جهیزیه

دادسرا

«چون بیکار بودم و تهیه چند قلم از جهیزیه همسرم به گردن من افتاده بود، با همدستی پدرم تصمیم به آدم‌ربایی گرفتیم.» این بخشی از اعترافات مهندس آی‌تی است که می‌گوید به‌دلیل بیکاری و مشکلات مالی یکی از پزشکان مشهور را ربوده و پس از ۳روز اسارت حساب‌های بانکی او را خالی کرده است.

به‌گزارش همشهری، عصر روز ۱۷مرداد ماه امسال مردی به پلیس آگاهی تهران رفت و مدعی شد که ۲نفر از ۳روز قبل او را ربوده و زندانی کرده‌اند. آنطور که او می‌گفت آدم‌ربایان در این مدت حساب‌های بانکی‌اش را خالی کرده و در نهایت پس از سرقت خودرواش او را در خیابان رها کرده‌اند. این مرد که یکی از پزشکان مشهور فک و صورت در پایتخت است در این‌باره گفت: چند شب قبل در سعادت‌آباد سوار ماشینم بودم که ۲نفر درحالی که لباس مأمور نیروی انتظامی به تن داشتند به من نزدیک شدند و درخواست کردند که مدارک ماشین را نشان دهم و با آنها به اداره آگاهی بروم. من اول گفتم به چه علت؟ گفتند که از شما شکایت شده و برای انجام تحقیقات باید همراه ما بیایی.

وی ادامه داد: آنها من را به صندلی عقب بردند. یکی از آنها کنار من بود و دومین نفر پشت فرمان نشست. حدود ۵دقیقه در خیابان‌های سعادت‌آباد پرسه زدند و در ادامه متهمی که کنارم نشسته بود سرم را خم کرد و با تهدید اسلحه دست و پا و چشمم را بست و من را به سمت جنوب تهران بردند. حدود ساعت ۱۱شب بود. چشمانم بسته بود. آنها می‌خواستند با موادی که داشتند من را بیهوش کنند. اما من متوجه شدم و خودم را به بیهوشی زدم. آنها من را داخل خانه‌ای بردند و در انباری انداختند.

آنجا با چشم و دست و پای بسته زندانی کردند. تمام اطلاعات خانه‌ام، کارت‌های بانکی خودم و مادرم را گرفتند. ۲روز بعد بود که یک مأمور از کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب با گوشی‌ام تماس گرفت. فکر می‌کنم آدم‌ربایان با آن تماس ترسیدند و من را حدود ساعت ۳بعدازظهر عاشورا با خودروی خودم به سعادت‌آباد بردند و رهایم کردند؛ با این حال خودروام را سرقت کردند و گریختند. آنها ۳۰۰میلیون تومان از حساب بانکی‌ام برداشت کردند و به جز آن از خانه هم نیز گوشی و لپ‌تاپم را دزدیدند.

در تعقیب آدم‌ربایان

به‌دنبال ثبت این شکایت تیمی زبده از کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ تحقیقات در این‌باره را آغاز کردند. تحقیقات اولیه نشان می‌داد پدر و پسری با جعل عنوان مأمور پلیس، این آدم‌ربایی را مرتکب شده‌اند. آنها پس از ربودن پزشک سرشناس با کارت بانکی‌اش به یک طلافروشی در شرق تهران رفته و مقدار زیادی طلا و سکه خریده بودند. بررسی اطلاعات به‌دست آمده از متهمان سبب شد که مأموران گام به گام به آنها نزدیک‌تر شده و سرانجام در ۲عملیات متهمان را که به یکی از استان‌های شرقی کشور گریخته بودند دستگیر کنند.

سرهنگ علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت با اعلام جزئیات این پرونده گفت: متهمان پس از انتقال به اداره پنجم پلیس آگاهی به آدم‌ربایی و سرقت به عنف اعتراف کردند و ۳فقره سرقت به عنف دیگر را نیز به گردن گرفتند و هم‌اکنون با صدور قرار قانونی در اختیار کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی قرار دارند و تحقیقات برای کشف جرایم احتمالی و شناسایی سایر مالباختگان ادامه دارد.

گفت‌وگو

یک ماه در تعقیب طعمه

متهم اصلی پرونده ۲۹ساله و مهندس آی تی است. می‌گوید چون بیکار بوده و از طرفی قصد ازدواج داشته و پدرزنش تهیه چند قلم از جهیزیه را به گردن او انداخته نقشه ربودن پزشک مشهور را کشیده اما حالا از کاری که انجام داده پشیمان است. او در گفت‌وگویی جزئیات بیشتری از این آدم‌ربایی را شرح داد.

قبل از اینکه دستگیر شوی شغلت چه بود؟

من فوق لیسانس آی تی دارم و قبلا در این حوزه فعالیت می‌کردم اما مدتی بود بیکار شده بودم.

سابقه کیفری هم داری؟

اواخر سال ۹۹ بود که یک نفر را که سوار یک خودروی ولوو بود ربودم و او را یک روز در خانه پدرزنم که آن موقع سفر بود نگه داشتم. فکر می‌کردم وضعیت مالی خوبی دارد. اما گفت من راننده‌ام و خودروی مدل بالا هم متعلق به فرد دیگری است و چیزی ندارم. من هم رهایش کردم.

چرا به فکر آدم‌ربایی افتادی؟

همه درها به رویم بسته بود. پدر خانمم گفته بود که باید خانه بگیری و ۷، ۸قلم از جهیزیه را هم تهیه کنی. به هر دری زدم نشد. فکر کردم دیدم سرقت و آدم‌ربایی تنها راهی است که می‌توانم زندگی‌ام را بسازم.

چرا با تحصیلاتی که داشتی کار نمی‌کردی؟

خیلی تلاش کردم اما کار پیدا نکردم.

پزشک سرشناس را چطور شناسایی کردی؟

یک روز در سعادت‌آباد او را دیدم که سوار بر ماشینش دور می‌زد. همان روز او را به‌عنوان طعمه انتخاب کردم. یک خودروی اپتیما مشکی رنگ داشت. یک ماه او را زیرنظر داشتم تا اینکه شب حادثه با پدرم دکتر را نزدیک ساندویچی دیدیم و تصمیم گرفتیم نقشه را اجرا کنیم. ما سوار بر موتور بودیم. من لباس شخصی به تن داشتم و پدرم لباس نظامی با درجه سرگردی.

چطور نقشه آدم‌ربایی را اجرا کردید؟

با موتور جلوی دکتر پیچیدیم و راهش را بستیم. مدارک دکتر را کنترل کردیم و فهمیدیم پزشک است. گفتم بیا عقب بشین و من پشت فرمان نشستم.

چه روزی پزشک را ربودید؟

۳روز مانده بود به عاشورا. حدود ساعت ۱۰:۳۰ شب. او را بردیم و ظهر عاشورا رهایش کردیم. دست و پایش باز بود. فقط چشمانش را بستم. گفت حالم خوب نیست. من هم او را بردم جلوی خانه‌اش پیاده کردم.

از خانه‌اش هم سرقت کردید؟

نه من فقط ۲کارت بانکی از او گرفتم و پول‌هایش را برداشت کردم.

همسرت فهمید که چنین کاری کردی؟

اول نمی‌دانست اما بعد فهمید و آبرویم رفت.

۳روزی که پزشک را ربوده بودی همسرت نپرسید که کجا هستی و چه کار می‌کنی؟

گفتم با پدرم هستم و می‌خواهم برویم و بدهی‌هایم را بدهم. وقتی فهمید که با پدرم هستم خیالش راحت شد.

همسرت دکتر را دید؟

بله روز دوم وقتی آمد خانه او را دید. گفتم یک موادفروش است و پول یک نفر را برده است. به خاطر همین هم ما او را نگه داشته‌ایم. گفت پدرم بفهمد بیچاره می‌شویم و...

پدرت چرا با تو همراه شد؟

از یک ماه قبل به او گفته بودم. مجبور بودم. پول نزول گرفته بودم و هر روز بدهی‌ام بیشتر می‌شد. پول نزول خیلی بد است و زندگی آدم را از بین می‌برد. حدود ۲۰۰میلیون تومان نزول گرفته بودم و هر ۳ماه ۱۷میلیون تومان باید می‌دادم. دوباره رفتم ۱۰۰میلیون تومان مضاربه از بانک گرفتم. همینطور بدهی روی بدهی می‌آمد.

این همه پول را برای چه کاری می‌خواستی؟

۷، ۸قلم از جهیزیه را گردن من انداخته بودند و گرفتار شده بودم.

وضعیت مالی پدرزنت چطور است؟

وضع خوبی دارد و به همین دلیل من هم به در دسر افتادم.

وقتی شرایط مالی‌ات خوب نبود چرا برای این ازدواج اصرار داشتی؟

همسرم را خیلی دوست داشتم و می‌خواستم هرطور که شده با او ازدواج کنم.

به‌نظرت این ازدواج ارزشش را داشت که به‌خاطرش دست به سرقت و آدم‌ربایی زدی؟

نمی‌دانم.

لباس نظامی را از کجا تهیه کردی؟

از میدان گمرک. حدود ۵۰۰، ۶۰۰هزار تومان خریدیم. درجه سرگردی را هم انتخاب کردیم که به سن پدر بخورد. در اینستاگرام دیده بودم که یک پدر و پسر با همین شیوه از افغان‌ها سرقت کرده بودند و من هم خواستم مثل آنها دست به سرقت بزنم.

از دکتر چقدر توانستید پول بگیرید؟

حدود ۲۰۰، ۳۰۰میلیون. ما اصلا او را اذیت نکردیم و کارت را بدون درگیری و تهدید گرفتیم.

می‌دانستی آدم‌ربایی چه مجازاتی دارد؟

نه به خدا نمی‌دانستم. اگر می‌دانستم این کار را نمی‌کردم.

دستگیری عامل اصلی جنایت در سفره خانه

یک هفته پس از جنایت در سفره خانه‌ای در غرب تهران که در جریان آن پدر و پسری برای پس گرفتن طلب‌شان برادر جوان بدهکار را به قتل رسانده و پدر و وکیل او را مجروح کرده بودند متهم اصلی دستگیر شد و به جنایتی که مرتکب شده بود اعتراف کرد.

به گزارش همشهری، شامگاه یکشنبه ۲۴مهرماه به محمدوهابی، بازپرس جنایی پایتخت خبر رسید که در جریان درگیری در یک سفره‌خانه در جنوب شهر، پسر جوانی با ضربات چاقو به قتل رسیده و ۲ نفر دیگر از جمله یک وکیل مجروح شده‌اند. آنطور که شواهد به‌دست آمده نشان می‌داد برادر مقتول پس از دریافت پول از چند نفر فراری شده بود و آن شب یکی از طلبکاران همراه پدرش برای پیگیری ماجرا به سفره خانه‌ای که متعلق به پدر جوان فراری بود رفته بودند. آنها در سفره‌خانه با پدر، برادر و وکیل جوان فراری درگیر شدند و در این میان برادر او به قتل رسید و پدر و وکیلش مجروح شدند.

به‌دنبال این درگیری خونین تحقیقات کارآگاهان جنایی آغاز شد و آنها موفق شدند پسر جوان را به‌عنوان یکی از متهمان دستگیر کنند اما پدر او همچنان متواری بود. پسر جوان در بازجویی‌ها به شرکت در این درگیری اعتراف کرد اما گفت که پدرش دست به قتل زده است. در این شرایط تلاش‌ها برای دستگیری متهم به قتل ادامه یافت تا اینکه سرانجام او نیز دستگیر شد. متهم روز گذشته وقتی در دادسرای امور جنایی تحت بازجویی قرار گرفت در اعترافاتش گفت: از روزی که فهمیدم از پسرم کلاهبرداری شده هر چند وقت یک‌بار همراه پسرم به سفره‌خانه پدر بدهکار می‌رفتیم تا شاید او را ببینیم و پول را پس بگیریم. ما فقط می‌خواستیم پول را پس بگیریم و قصد درگیری نداشتیم اما روز حادثه وقتی بار دیگر به سفره‌خانه رفتیم پدر و برادر و وکیل جوان بدهکار آنجا بودند. من مشغول صحبت با وکیل‌شان شدم اما او با من بد صحبت کرد و گفت کاری نمی‌توانید انجام دهید. من هم که از قبل ناراحتی روحی داشتم عصبانی و با آنها درگیر شدم و با چاقویی که همراهم بود به آنها ضربه زدم و همراه پسرم فرار کردیم. متهم به قتل ادامه داد: من قصد قتل نداشتم و فکر می‌کردم که هر ۳نفرشان را مجروح کرده‌ام اما بعد متوجه شدم برادر جوان بدهکار جانش را از دست داده و بعد هم پسرم دستگیر شده است و من هم به همین دلیل خودم را تسلیم کردم. او ادامه داد: باور کنید من همیشه چاقو همراهم نیست و آن روز هم برای دفاع از خودم چاقو داشتم. من فقط می‌خواستم پول پسرم را پس بگیرم و فکرش را هم نمی‌کردم که کار به اینجا کشیده شود. براساس این گزارش هم‌اکنون این متهم با قرار قانونی در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

۴قربانی جدید در پرونده مرد شیطان‌صفت

پلیس آگاهی

«به‌دنبال انتشار خبر دستگیری مردی که با پرسه زدن در پارک‌ها و محل‌های خلوت، زنان جوان را با تهدید چاقو ربوده و قربانی نقشه شوم خود می‌کرد، ۴شاکی جدید با حضور در اداره آگاهی تهران این مرد را شناسایی کردند.

به گزارش همشهری، متهم این پرونده جوانی ۲۹ساله است که هفتم مهرماه امسال تحت تعقیب کارآگاهان اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. نخستین شاکی زنی بود که می‌گفت برای پیاده‌روی به پارکی در نزدیکی شهرک مینی‌سیتی رفته بود، اما مردی با پرسیدن ساعت به او نزدیک شده و وقتی زن جوان به ساعتش نگاه کرده، چاقویی زیر گلوی او گذاشته و با تهدید وی را به محلی خلوت در پارک کشانده و به او تجاوز کرده بود. متهم سپس اموال زن جوان را سرقت کرده و متواری شده بود. با این شکایت و با توجه به حساسیت موضوع کارآگاهان راهی پارک مورد نظر شدند و موفق شدند متهم را که در آنجا پرسه می‌زد دستگیر کنند. او از سوی شاکی پرونده شناسایی شد و در ادامه معلوم شد که وی از مدت‌ها قبل به‌صورت سریالی زنان را به دام انداخته و پس از تجاوز به آنها اموالشان را سرقت می‌کرده است. بررسی‌ها نشان می‌داد که در تمامی پرونده‌ها، متهم اول صبح یا همزمان با تاریک شدن هوا در پارک‌ها و نقاط خلوت شهر پرسه می‌زده و با شناسایی زنان و دخترانی که در حال پیاده‌روی بودند، به بهانه پرسیدن آدرس یا ساعت به آنها نزدیک می‌شده و در یک لحظه با قرار دادن تیغه چاقویش زیر گلویشان، آنها را غافلگیر و با کشاندن به محل‌های خلوت قربانی نقشه شوم خود می‌کرده است.

در ادامه ۴زن که قربانی این مرد شده بودند با حضور در اداره آگاهی وی را شناسایی کرده و درحالی که با دیدن او از ترس می‌لرزیدند از وی شکایت کردند. این در حالی بود که بررسی‌ها نشان می‌داد قربانیان متهم بیشتر از ۴نفرند و احتمالا به‌خاطر ترس از آبرویشان حاضر نشده‌اند از او شکایت کنند. در این شرایط سرهنگ کارآگاه علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران از صدور مجوز قضایی برای انتشار عکس بدون پوشش چهره متهم در روزنامه‌ها خبر داد و به این ترتیب تصور این مرد منتشر و از شاکیان احتمالی خواسته شد با اطمینان از محفوظ ماندن نام و هویت‌شان نزد پلیس و مرجع قضایی برای شکایت از او به اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند. پس از آن بود که ۴زن دیگر که آنها هم با شگردی مشابه به دام جوان شیطان‌صفت افتاده بودند با حضور در اداره آگاهی وی را شناسایی و از او شکایت کردند.

تصویر متهم با مجوز قضایی منتشر می‌شود

با این حال متهم روز گذشته و در گفت‌وگو با خبرنگاران مدعی شد که شاکیان او را با فرد دیگری اشتباه گرفته‌اند و وی دست به سرقت اموال و آزار و اذیت آنها نزده است.

او گفت: از وقتی ۱۳ساله بودم گاهی قاچاقی به ایران می‌آمدم و برای مدتی کارگری می‌کردم و به افغانستان برمی‌گشتم. یک سال و نیم پیش با همسر و پسر کوچکم با کمک قاچاق‌برها به ایران آمدم و به‌عنوان کارگر ساختمانی کار می‌کردم. مدتی هم به‌دلیل اینکه یکی از آشنایانم که نگهبان یکی از پارک‌ها بود و دستش شکسته بود، به جای او نگهبانی می‌دادم و نمی‌دانم که شاکیان برای چی از من شکایت کرده‌اند. اظهارات او در حالی بیان می‌شود که هر کدام از شاکیان جداگانه متهم را از بین چند متهم دیگر در اداره آگاهی شناسایی کرده و می‌گویند که هیچ شکی ندارند که او همان کسی است که به آنها حمله کرده بود.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با یکی از شاکیان

دیروز در اداره ۱۶ آگاهی تهران زنان و دخترانی که قربانی مرد شیطان‌صفت شده بودند در حالی او را شناسایی کردند که هنگام تشریح اتفاقی که برایشان رخ داده بود به گریه افتادند و از یادآوری روز حادثه می‌لرزیدند. یکی از آنها زن جوانی بود که درست در آخرین لحظات موفق شد از چنگ متهم فرار کند، آن هم زمانی که متهم گلوی او را می‌فشرد و چیزی تا بی‌هوشی‌اش نمانده بود. گفت‌وگو با این زن را بخوانید.

شما متهم را به‌طور دقیق و کامل شناسایی کردید؟

بله. کاملا. خودش است. همان کسی که به من حمله کرد.

کجا به شما حمله کرد؟

در پارک مهرگان. ساعت ۳بعدازظهر ۳۰خرداد ماه بود.

در پارک چه کار می‌کردید؟

داشتم پیاده‌روی می‌کردم. هر روز برای پیاده‌روی به آنجا می‌رفتم. آن روز هم کمی پیاده‌روی کردم و بعد تصمیم گرفتم به خانه برگردم. نزدیک خروجی پارک بودم و حدود ۷ یا ۸ متر بیشتر با آن فاصله نداشتم. ناگهان این مرد (اشاره به متهم) به سمتم آمد و پرسید: خانم، ساعت چنده؟ ساعتم را نگاه کردم و گفتم ۳. بعد گفت شماره من را بزن توی گوشی‌ات. فهمیدم قصد مزاحمت دارد و گفتم مزاحم نشوید لطفا. اما ناگهان از جیب کتی که به تن داشت یک شیشه شکسته بیرون آورد و گفت: «اگر صدات دربیاید شیشه را می‌کنم توی چشمت.» ترسیده بودم و گفتم: «چی می‌خواهی؟» گفت: «کمی با من قدم بزن». چون در آن ساعت از روز پارک کاملا خلوت بود و در آن حوالی کسی نبود، گفتم: باشه. از طرفی چون خروجی پارک را می‌دیدم، گفتم: «اینجا آفتاب اذیتم می‌کند. بیا به آن سمت (با دست به سمت خروجی پارک اشاره کردم) که سایه است قدم بزنیم.» بعد برای اینکه خودم را کاملا خونسرد نشان دهم و کاری کنم که باور کند به وی اعتماد کرده‌ام، پرسیدم: «اسمت چیه؟» اما با شنیدن این سؤال به سمتم حمله کرد و گلویم را گرفت و گفت: «چرا اسمم را می‌پرسی؟ امشب می‌خواهم بروم شیراز و اگر اسمم را هم بلد باشی نمی‌توانی پیدایم کنی.» بعد چندبار مرا به میله‌های کنار محل پیاده‌روی کوبید و می‌خواست به من تجاوز کند اما چون لاغر اندام بود، چندبار توانستم او را هل دهم و کمی آنطرف‌تر پرتش کنم. همین کار من او را عصبانی کرد و بار آخر طوری گلویم را گرفت و فشار داد که داشتم بی‌هوش می‌شدم. اما در همان لحظه یک نفر که ظاهرا صدای مرا شنیده بود، فریاد بلندی سر داد و متهم با شنیدن آن صدا مرا رها و فرار کرد.

بعد چه کردی؟

به ۱۱۰ زنگ زدم و وقتی مأموران آمدند همه‌چیز را گزارش کردند.

گفتی که همیشه برای پیاده‌روی به آن پارک می‌رفتی. قبلا هم متهم را آنجا دیده بودی؟

نه. نخستین بار بود که او را می‌دیدم.

حالا خواسته‌ات چیست؟

اینکه متهم به اشد مجازات برسد.

کوتاه از حادثه

آتش در مجتمع جام‌جم

حریق گسترده‌ای که ساختمان تجاری جام‌جم در خیابان ولی‌عصر تهران را در برگرفته بود با تلاش نفسگیر آتش‌نشانان مهار شد.

به‌گزارش همشهری، بعدازظهر دیروز عابرانی که از خیابان ولیعصر عبور می‌کردند، نرسیده به پل پارک وی و در ساختمانی ۳طبقه، متوجه دود غلیظی شدند که از پنجره‌های آن بیرون می‌زد. این در حالی بود که چندین دستگاه خودروی مجهز آتش‌نشانی در اطراف ساختمان پارک شده و آتش‌نشانان برای جدال با آتش وارد ساختمان شده بودند. سیدجلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران با اشاره به حریق گسترده که ساختمان تجاری جام جم را در برگرفته بود گفت: به‌دنبال گزارش وقوع آتش‌سوزی در این ساختمان، آتش‌نشانان ۱۵ایستگاه آتش‌نشانی به محل اعزام شدند. وی ادامه داد: آتش‌سوزی در طبقه منفی یک این ساختمان رخ داده بود و تیم‌های امداد و اطفای حریق پس از حضور در محل حادثه اطفای حریق را آغاز کردند. وی ادامه داد: در این حادثه ۳نفر از آتش‌نشانان دچار حادثه شدند که توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شدند اما با تلاشی نفسگیر توانستند آتش را مهار کنند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران با اعلام این خبر که این حادثه خسارت جانی نداشت افزود: کارشناسان سازمان آتش‌نشانی در حال بررسی علت وقوع این حادثه هستند.

مرور چالش‌های غیراخلاقی میلاد حاتمی در دادگاه

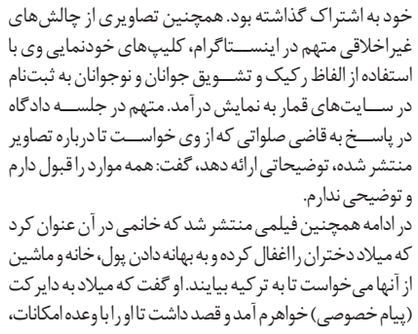

میلاد حاتمی از گردانندگان سایت‌های قمار و شرط‌بندی در خارج از کشور روز گذشته در چهارمین جلسه محاکمه در دادگاه انقلاب جزئیات بیشتری از اقدامات غیراخلاقی و مجرمانه‌اش را بازگو کرد.

به گزارش همشهری، در این جلسه که روز گذشته (شنبه) در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی برگزار شد رئیس دادگاه خطاب به متهم گفت: اتهامات شما براساس کیفرخواست صادره، افساد فی‌الارض از طریق اشاعه فساد به‌صورت گسترده، اخلال در نظام پولی و ارزی از طریق خروج مبالغی از سیستم پولی کشور به مراکز قمار و تبدیل آن به ارز و انتقال به خارج از کشور، دایر کردن مرکز قمار، تشویق به فساد با توجه به اقدامات مخرب در فضای مجازی و گسترش بی‌بندوباری، اقدامات ضداخلاقی و ضدانسانی است. در این جلسه دادگاه، به دستور قاضی صلواتی فیلم‌هایی منتشر شد که مضمون آن فعالیت‌های مجرمانه و غیراخلاقی متهم در خارج از کشور بود که از اقداماتش فیلم تهیه کرده و در صفحه مجازی اینستاگرام خود به اشتراک گذاشته بود. همچنین تصاویری از چالش‌های غیراخلاقی متهم در اینستاگرام، کلیپ‌های خودنمایی وی با استفاده از الفاظ رکیک و تشویق جوانان و نوجوانان به ثبت‌نام در سایت‌های قمار به نمایش درآمد. متهم در جلسه دادگاه در پاسخ به قاضی صلواتی که از وی خواست تا درباره تصاویر منتشر شده، توضیحاتی ارائه دهد، گفت: همه موارد را قبول دارم و توضیحی ندارم.

در ادامه همچنین فیلمی منتشر شد که خانمی در آن عنوان کرد که میلاد دختران را اغفال کرده و به بهانه دادن پول، خانه و ماشین از آنها می‌خواست تا به ترکیه بیایند. او گفت که میلاد به دایرکت (پیام خصوصی) خواهرم آمد و قصد داشت تا او را با وعده امکانات، پول و... فریب دهد که من خواهرم را از رفتن به ترکیه منصرف کردم. در پایان چهارمین جلسه دادگاه، قاضی صلواتی اعلام کرد تاریخ جلسه بعدی دادگاه متعاقبا اعلام خواهد شد.

مرگ سارق هنگام فرار از دست پلیس

سارق خودرو وقتی تحت تعقیب پلیس قرار گرفت، بی‌توجه به اخطار مأموران به فرار ادامه داد تا اینکه در نهایت به ضرب گلوله پلیس جانش را از دست داد.

به‌گزارش همشهری، فرمانده انتظامی شهرستان کرمانشاه در توضیح این حادثه گفت: پنجشنبه شب گذشته گزارش سرقت یک دستگاه خودرو سایناد در شهرک ظفر کرمانشاه به پلیس اعلام شد. مأموران با حضور در محل و بررسی صحنه سرقت، مشخصات خودروی سرقتی را در سیستم پلیس ثبت کردند و دستور توقیف آن صادر شد تا اینکه صبح جمعه، یکی از تیم‌های گشتی پلیس خودروی سرقتی را مشاهده کرد و به راننده دستور ایست داد.

سرهنگ علیرضا دلیری ادامه داد: راننده با بی‌توجهی به فرمان‌های ایست پلیس و حتی تیراندازی‌های هوایی، به سمت محور کرمانشاه - اسلام‌آباد غرب تغییر مسیر داد و به‌دنبال این اقدام مأموران به تعقیب خودروی سرقتی پرداخته و با شلیک به سمت لاستیک، اقدام به پنچر کردن سایناد کردند. اما راننده با این حال به فرار خود ادامه داد و حاضر به تسلیم نشد. مأموران نیز در ادامه و برای متوقف کردن خودرو با رعایت قانون به کارگیری سلاح بازهم اقدام به تیراندازی کردند که یکی از تیرهای شلیک شده به سمت دیگر لاستیک خودرو کمانه کرده و به راننده متواری اصابت کرد. وی خاطرنشان کرد: با زخمی شدن راننده خودروی سرقتی، مأموران وی را به سرعت به مراکز درمانی منتقل کردند اما این فرد به‌رغم تلاش پزشکان جان خود را از دست داد.

سرهنگ دلیری با اشاره به دستگیری دیگر سرنشین خودروی سرقتی افزود: در بررسی‌ها مشخص شد هردو نفر آنها از سارقان سابقه‌داری بودند که به تازگی از زندان آزاد شده بودند.

فرمانده انتظامی شهرستان کرمانشاه با تأکید براینکه مبارزه با پدیده سرقت در اولویت کار پلیس قرار دارد، افزود: وظیفه مأموران انتظامی برخورد قاطعانه با سارقان و افرادی است که با اقدامات خود باعث ایجاد ناامنی در جامعه می‌شوند.